



ویژه‌نامه قدس
به‌مناسبت
سخنرانی‌نوروزی
رهبر معظم انقلاب
در حرم مطهر رضوی

۲۹

**در واقع گرچه کشور
از راهبرد مورد نیاز
برای موفقیت در جنگ
اقتصادی برخوردار
بود، اما در حوزه
اجرایی به شدت دچار
کاستی و کم‌کاری بود.
قسمت بزرگی از بدنه
مسئولان کشور قائل
به جنگ اقتصادی
نبودند و ادبیات
مقاومت، اقتصاد
مقاومتی و استحکام
اقتصاد را قبول
نداشتند.**

به‌گونه‌ای پیچیده و درهم تنیده است که عملاً هیچ تحول مثبت و ملموسی را نمی‌توان شاهد بود. برای مثال برای اجرای هر راهبرد و برنامه‌ریزی آنچنان زمان صرف می‌شود که خروجی نهایی آن با تصمیم اولیه تفاوت فاحش دارد.

در حوزه اجرایی نیز، سازمان‌ها به اندازه‌ای پیچیده و بروکراتیک شده‌اند که تا دستور به مرحله عملیاتی برسد کاملاً با اصل محتوای ابتدایی متفاوت و در تناقض است. در نتیجه روند اداری و مدیریتی کشور به هیچ وجه انعطاف‌پذیر و برای عملیات در شرایط جنگی نیست. گرچه امکان دارد در شرایط عادی بتوان این نوع بروکراسی را تحمل کرد، اما در شرایطی که هر روز در بازار ارز، سیاست‌های پولی و مالی، خرید محصولات اساسی، واردات اجناس و... مداخله‌ها و نوسان‌ها رخ می‌دهد، انتظار هیچ گام سازنده‌ای را نمی‌توان داشت.

نکته دیگر، نبود نگاه سیستمی است و هنوز مسئولان و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری به صورت بخشی و جزیره‌ای عمل می‌کنند. برای مثال در ماجرای افزایش نرخ ارز، علت عمده آن ناشی از ثبت سفارش‌های بخشی وزارتخانه‌ها بود و متأسفانه وزیران نگاه سیستمی به مسائل نداشتند، در نتیجه موجب شد ثبت سفارش‌هایی بدون هماهنگی وزارتخانه‌ها با یکدیگر و همچنین بانک مرکزی صورت بگیرد. بنابراین تبعات این ناهماهنگی آثار خود را در حوزه اقتصادی نشان داد. در حوزه اقتصاد مقاومتی و اجرای شعار سال‌ها، باید با نگاه سیستمی پیش رفت، در غیر این صورت خروجی کار کاملاً غیرواقعی و کاریکاتوری خواهد بود. متأسفانه کشور امروز دچار روزمرگی شده که بخشی از آن به مسائل داخلی برمی‌گردد. مجلس به امور جزئی می‌پردازد و از توجه و تمرکز بر قوانین راهبردی غافل مانده است یا کل مجموعه دولت درگیر مسائل پیش پا افتاده هستند. البته بخشی از روزمرگی ناشی از عوامل بیرونی است و از سوی مخالفان کشور صورت می‌گیرد. در واقع این جنگ ترکیبی آنچنان کشور را درگیر مسائل حوزه‌های مختلف کرده که امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را نمی‌دهد.

■ **به نظر تان در حوزه گفتمان‌سازی میزان توجه به دغدغه و تأکیدهای رهبر فرزانه انقلاب در نام‌گذاری سال‌ها چگونه است؟**

در حوزه گفتمان‌سازی عمومی برای نهادینه‌سازی و تحقق شعارهای سال عملاً اقدام خاصی صورت نگرفته است و نتوانسته‌ایم سیاست‌ها و ضرورت آن را برای مردم شرح دهیم و تبیین کنیم. وقتی سخن از اصلاح الگوی مصرف یا ... می‌شود، بسیاری از مردم آن را جدی نمی‌گیرند.

البته در حوزه تولید ملی تا حدودی گفتمان ایجاد شده، اما در دیگر حوزه‌ها شاهد این گفتمان عمومی نیستیم. همچنین به صورت خاص نیز گفتمان‌سازی موفق درخصوص برنامه‌ها و این‌گونه راهبردها صورت نگرفته است. امروز سطوح دانشگاهی و علمی کشور کاملاً با این سیاست‌ها بیگانه‌اند و دانشجویان و دانشگاه‌ها هیچ کار علمی و مطالبه‌ای در این باره ندارند. سیاست‌ها در حد سخن باقی مانده و به یک گفتمان علمی و فراگیر تبدیل نشده‌اند. بنابراین نتیجه این شرایط هم این بوده که شاهدیم امروز هیچ برنامه‌ریزی و اقدامی در کشور ذیل گفتمان‌های اقتصادی نیست. در واقع چندان نتوانسته‌ایم بین اجرای سیاست‌ها و مجموعه نام‌گذاری سال‌ها ارتباط برقرار کنیم.

به نظر می‌رسد گاهی اوقات شعارهای سال برای مسئولان کشور فقط در حد اظهارات کلیشه‌ای و زینت‌المجالس باقی مانده و هر کدام تلاش می‌کنند از آن به نفع مصالح خود بهره ببرند.

■ **ضرورت و دلایل تأکیدهای رهبر فرزانه انقلاب بر نام‌گذاری سال‌ها مطابق سیاست‌های کلان اقتصادی چیست؟**

پس از تشکیل جمهوری اسلامی، دشمن در حوزه‌های مختلف در حال مواجهه مستقیم و غیرمستقیم با انقلاب است. رهبری معظم با رصد دقیقی که از مسائل کشور و همچنین جبهه مقابل داشتند، این تعبیر را مطرح کردند که جنگ به خاکریزهای اقتصادی کشیده شده است. ایشان پیش از اینکه نتایج جنگ اقتصادی همانند امروز، در زندگی مردم یا عرصه مدیریت اقتصادی کشور مشاهده شود، به این مسئله ورود کرده و حتی نام‌گذاری سال‌ها را بر همین اساس در نظر گرفتند. بدین ترتیب ایشان اولویت‌های کشور را در قالب شعارهای سال و در یک منظومه اقتصادی تعریف کردند و پس از آن در سال ۸۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تدوین و ابلاغ شد.

پس از ابلاغ سیاست‌ها شاهد بودیم بسته جامع اقتصادی با محوریت رویکرد ایشان اجرایی شد تا اقتصاد کشور را به نحوی مدیریت و بازسازی کند که تحت تأثیر تکانه‌های خارجی قرار نگیرد. این موضوع نشان می‌داد سیاست‌های کلی که رهبر فرزانه انقلاب مطرح کردند بسیار دقیق بود و مبانی کار و دستورالعمل و راهبردها به نحو احسن از سوی ایشان برنامه‌ریزی شد. این در حالی است که شاهدیم شرایط اقتصادی چندان مطلوب و مطابق سیاست‌های مدنظر و اعلام شده ایشان نیست، در نتیجه اگر راهبردها و نام‌گذاری سال‌ها در همان دوره زمانی خود جدی گرفته می‌شدند امروز مردم با این مشکلات مواجه نبودند. متأسفانه همین موجب شده تا امروز بر سر بسیاری از خاکریزهای سیاسی، امنیتی، اجتماعی و... شاهد عقب‌نشینی و ناکارآمدی باشیم که آن هم به دلیل نقطه ضعف اقتصادی است. علت این مسائل نیز به این برمی‌گردد که به توصیه‌ها و رویکردهای آینده‌نگرانه رهبری معظم توجه و عمل نشد. در واقع گرچه کشور از راهبرد مورد نیاز برای موفقیت در جنگ اقتصادی برخوردار بود، اما در حوزه اجرایی به شدت دچار کاستی و کم‌کاری بود.

■ **علت نبود توجه کافی به راهبردهای کلان اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای چه بود؟ این کم‌کاری و ناکامی در تحقق شعارهای سال آیا در حوزه ساختاری و تقنینی ایجاد شد یا در عرصه اجرایی و عملیاتی؟**

عوامل متعددی در این مسئله نقش داشتند. بخشی از آن به این برمی‌گردد که قسمت بزرگی از بدنه مسئولان کشور قائل به جنگ اقتصادی نبودند و ادبیات مقاومت، اقتصاد مقاومتی و استحکام اقتصاد را قبول نداشتند. همچنین نوع برداشت از آموخته‌های آکادمیک نیز در بروز این مسئله نقش داشت و اذهان همواره به مقوله تجارت جهانی، بازار آزاد و تعامل با دنیا توجه داشتند. در چنین شرایطی افراد وابسته به چنین رویکردی هرگز اعتقاد نداشتند جنگ به خاکریز اقتصادی کشیده شده و به همین دلیل حاضر نبودند آرایش جنگی بگیرند.

در واقع ما وارد جنگی شدیم که فرماندهان آن آرایش جنگی نداشتند، زیرا قائل به چنین جنگی نبودند. علاوه بر این، ناتوانی این‌گونه مدیران و مسئولان نیز در بروز مشکلات اقتصادی مؤثر بود، بنابراین شاهد روی کار آمدن برخی مسئولان رده‌بالا همچون وزیران و حتی نمایندگان فاقد توانمندی‌های لازم بودیم و در نتیجه اقدام‌های مثبتی رخ نداد.

در واقع در بسیاری از دوره‌ها شاهد بودیم افرادی که قائل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و راهبردهای رهبر معظم انقلاب بودند، در مرکزیت کارها قرار نگرفتند. همچنین بروکراسی پیچیده و زمانبر نیز کشور را فلج کرده است.

بدین ترتیب ساختارها و روندهای تصمیم‌گیری، اجرا و برنامه‌ریزی در سطح کشور

